

## درآمدی بر روش و پژوهش آزمایشی در حوزه حکمرانی و خطّمشی‌گذاری

محمّد میلاد احمدی<sup>۱</sup>، احسان شریف‌احمدیان<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دکتری مدیریت سیستم‌ها، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران

mmahmadi@ihu.ac.ir

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری مدیریت سیستم‌ها، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران

e.sharif67@gmail.com

### چکیده

در علوم اجتماعی پیشینه قابل اعتنایی در تأمل در باب آزمایش کردن دارد؛ به عنوان مثال، امروزه این‌که آزمایش‌ها یک عنصر کلیدی در ظهور حوزه اقتصاد رفتاری هستند، موضوعی شناخته شده است؛ اما آزمایش‌ها در جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، علوم برنامه‌ریزی و حتّی در زمینه هنر و معماری نیز با روندی رو به رشد محبوب شده‌اند. برخلاف تأکید بسیاری از محققان، آزمایش و روش‌های آزمایشی در حوزه علوم سیاسی و حکمرانی مرکز توجه نبوده است؛ چنان‌که اصولاً تعداد بسیار معدودی از کتاب‌های مرجع، این مفهوم را حتّی نمایه می‌کنند. صاحب‌نظران این حوزه، در یک مرور کلی، از تغییر جهت تجربی‌گرایی در گستره‌ای از رشته‌های علمی از جمله علوم سیاسی خبر می‌دهند و بیان می‌کنند که اصطلاح آزمایش، به طیفی از قالب‌ها و فعالیت‌های گوناگون اشاره دارد و نه فقط یک روش تحقیق. برای مثال، از اصطلاح آزمایش برای اشاره به طراحی و ارزیابی ترتیبات نهادی، تشویق یادگیری اجتماعی و سیاسی، و راه‌اندازی نوآوری‌ها و تحولات اجتماعی نیز استفاده می‌شود. هدف اصلی در این مقاله مروری، یافتن پاسخ برای سؤالاتی پیرامون نقش و جایگاه آزمایش‌ها در رابطه با موضوعات حکمرانی است. تأثیراتی که آزمایش‌ها چه از طریق یادگیری و چه از طریق تغییر خطّمشی دارند، بسیار مهم است و چه‌گونگی اثرگذاری آزمایش‌ها بر یادگیری و تغییر خطّمشی‌ها، هنوز در اکثر مدل‌های پیشرو فرآیند سیاست‌گذاری گنجانده نشده است. این مرور، فرصت خوبی برای به نمایش گذاشتن تغییر جهت تجربی جدید در عمل و در اشکال مختلف آن فراهم می‌کند؛ چراکه بسیاری از محققان، آزمایش‌ها را به‌عنوان نقطه شروعی برای دگرگونی‌های اجتماعی مطلوب در نظر می‌گیرند.

**کلمات کلیدی:** پژوهش آزمایشی، طراحی آزمایشی، روش تحقیق، حکمرانی، علوم سیاسی

## مقدمه

طی دو دهه اخیر، بسیاری از حوزه‌های علوم اجتماعی، تغییر جهت و چرخش تجربی (آزمایشی)<sup>۱</sup> را پذیرفته‌اند. به عنوان مثال، این که آزمایش‌ها یک عنصر کلیدی در ظهور حوزه اقتصاد رفتاری<sup>۲</sup> هستند، موضوعی شناخته شده است، اما آزمایش‌ها به طور فزاینده‌ای در جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، علوم برنامه‌ریزی و حتی در زمینه معماری نیز محبوب شده‌اند (به عنوان نمونه مک‌درموت<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲). به نظر می‌رسد که امروزه به مزایای بالقوه آزمایش‌ها بیش از پیش توجه می‌شود (هویتما<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۸). چرخش به سمت تجربه‌گرایی<sup>۵</sup> بدون نقد نیز نیست. به عنوان مثال، مک‌درموت (۲۰۰۲: ۴۲) در فراخوان پرشور خود برای انجام آزمایش‌های بیشتر در حوزه علوم سیاسی این نکته را نیز ذکر می‌کند که چه‌گونه بسیاری از دانشمندان علوم سیاسی در این خصوص مردد هستند. صاحب‌نظران این حوزه بیشتر به رگرسیون‌های چندگانه در مقیاس بزرگ علاقه‌مند هستند و به دلیل فقدان آموزش کافی در زمینه انجام آزمایش، نمی‌دانند که آزمایش‌ها چه‌گونه می‌توانند در یک راهبرد تحقیقاتی گسترده‌تر جای بگیرند. جنبش‌های جایگزین در علوم سیاسی (مانند ساختارگرایان<sup>۶</sup> و پست‌مدرنیست‌ها<sup>۷</sup>) نیز معتقدند که کار تجربی (آزمایشی) قادر به درک پیچیدگی‌ها و تفاوت‌های ظریف نیست. هاو<sup>۸</sup> (۲۰۰۴) در مطالعه خود با ارائه برخی از این انتقادات، بیان می‌دارد که آزمایش، مانند کلاهی است که بیش از حد فروخته شده است و سختی‌های مختلف آزمایش کردن را برمی‌شمرد؛ از جمله: مبادله‌هایی که میان اعتبار درونی و بیرونی آزمایش وجود دارد؛ این واقعیت که استنتاج‌های علی را می‌توان با استفاده از بسیاری از روش‌های تحقیق دیگر ایجاد کرد؛ و همچنین دشواری مقایسه مداخلات حاکمیتی (در آزمایش‌های علوم اجتماعی) با داروهای جدید در علم پزشکی (در آزمایش‌های علوم طبیعی).

اکثر صاحب‌نظران حتی اگر در مورد ظرفیت آزمایش‌ها اختلاف نظر داشته باشند، اغلب در این که آزمایش کردن عمدتاً باید به عنوان یک روش تحقیق در نظر گرفته شود، توافق نظر دارند؛ این در حالی است که این تنها رویکردی نیست که درخصوص نگرش به آزمایش‌ها وجود دارد. درواقع، نشانه‌های زیادی هستند که حاکی از آن‌اند که چرخش تجربی‌گرایان اتفاقاً در مسائل مربوط به روش‌شناسی است که محدود می‌شود. در همین خصوص، آنسل و بارتنبرگر<sup>۹</sup> (۲۰۱۶) در یک مرور کلی از تغییر جهت تجربی‌گرایی در گستره‌ای از رشته‌های علمی، بیان می‌کنند که اصطلاح آزمایش، به طیفی از قالب‌ها و فعالیت‌های گوناگون اشاره دارد (و نه فقط یک روش تحقیق). برای مثال، از اصطلاح آزمایش برای اشاره به طراحی و ارزیابی ترتیبات نهادی، برای اشاره به تشویق یادگیری اجتماعی و سیاسی، و برای اشاره به راه‌اندازی نوآوری‌ها و تحولات نیز استفاده می‌شود (همان: ۶۴). به عبارت دیگر، تجربه‌گرایی با رویکردی نوین و متمایز به حکمرانی، شامل اما نه محدود به سیاست‌گذاری عمومی می‌شود. این تغییر در مفهوم‌سازی یکی از دلایلی است که می‌تواند برای دانشمندان علوم سیاسی نیز جالب باشد تا با جریان آزمایش‌گرایی در علوم درگیر شوند.

هدف اصلی از این مرور، شناسایی دامنه یادگیری متقابل میان این جهت‌گیری جدید و حوزه علوم سیاسی است؛ و پاسخ به سؤالاتی از جمله این که:

- تحقیقات جدید در مورد آزمایش کردن از سوی کسانی که سال‌ها و حتی دهه‌ها با آزمایش دست و پنجه نرم می‌کنند، چه بینش جدیدی را به کسانی که در حوزه سیاست‌گذاری فعال هستند، ارائه می‌دهد؟

<sup>1</sup> Experimentalist Turn

<sup>2</sup> Behavioral Economics

<sup>3</sup> McDermott

<sup>4</sup> Huitema

<sup>5</sup> Experimentalist

<sup>6</sup> Structuralists

<sup>7</sup> Postmodernists

<sup>8</sup> Howe

<sup>9</sup> Ansell & Bartenberger

• دانشمندان سیاست‌گذاری با توجه به مفاهیم اصلی، روش‌ها، بینش‌های نظری و یافته‌های آزمایشی چه چیز جدیدی می‌توانند به ادبیات تجربی (آزمایشی) اضافه کنند؟

هدف اصلی در این مقاله مروری، یافتن پاسخ برای این سؤالات با کاوش در آزمایش‌ها در رابطه با موضوعات حکمرانی است. این مرور، فرصت خوبی برای به نمایش گذاشتن تغییر جهت تجربی جدید در عمل و در اشکال مختلف آن فراهم می‌کند. محققان مختلف آزمایش‌ها را به عنوان نقطه شروع (یا بذری) برای دگرگونی‌های اجتماعی مطلوب در نظر می‌گیرند (دن اویل<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴).

از آن‌جا که ثابت شده است که اغلب اوقات توافق در سطح جهانی دست‌نیافتنی است، امیدها به طور فزاینده‌ای به ابتکاراتی در سطوح پایین‌تر حوزه‌های قضایی، مشارکت‌های دولتی-خصوصی، سازمان‌های غیردولتی و سایر بازیگران اجتماعی، و طرح‌های تجارت و کسب‌وکار در کشورها بسته می‌شود. چنین ابتکاراتی به طور گسترده به عنوان آزمایش در یک سیستم حکومتی گسترده‌تر که به طور قابل ملاحظه‌ای چندمرکزی‌تر است (جردن<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۸). در نظر گرفته می‌شود (مک‌گوریک<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۵). برخی پیشنهاد می‌کنند که ممکن است این آزمایش‌ها تأثیرات «کاتالیزوری» گسترده‌تری داشته باشند (هافمن<sup>۴</sup>، ۲۰۱۱)، زیرا امید می‌رود که تحت شرایط خاصی یک اثر آرایه موسیقی<sup>۵</sup> در جامعه ایجاد کنند.

## چارچوب محتوایی

در این مجال، چهار موضوع شناسایی می‌شود که می‌توان پیرامون آن‌ها یک بحث جدید و بین رشته‌ای در مورد آزمایش را ساماندهی کرد. اولین مورد بسیار مهم و از بسیاری جهات اساسی است: معنای مفاهیم اصلی. در حال حاضر، فقدان مشخصی از وضوح مفهومی در بحث‌های مختلف پیرامون آزمایش کردن وجود دارد. در واقع، اصطلاح آزمایش گاهی به قدری ضعیف به کار می‌رود که هر چیزی که از حالت هنجاری منحرف شود - هرچند تعریف شده باشد - به عنوان یک آزمایش فرض می‌شود. اما، به تعبیر ویلداوسکی<sup>۶</sup> (۱۹۷۹)، اگر همه چیز یک آزمایش است، پس شاید هیچ چیز آزمایش نباشد! برای جلوگیری از بسط بیش از حد این مفهوم، این اصطلاح باید محدود شود، و باید دستاوردهای یک تحقیق مشارکتی تر و بین‌رشته‌ای در نظر گرفته شود.

موضوع دوم مربوط به پویایی‌های سیاسی پیرامون آزمایش است. به لحاظ نظری، طیف وسیعی از ایده‌ها را می‌توان در آزمایش‌های سیاستی آزمون کرد، اما در واقعیت همیشه این اتفاق نمی‌افتد (هافمن، ۲۰۱۱). آزمایش‌ها لزوماً به صورت یکسانی ایجاد نمی‌شوند. آن‌ها ممکن است گروه‌های هدف را به روش‌های مختلفی تحت تأثیر قرار دهند. برخی از بازیگران ممکن است مزایای قابل توجهی از انجام آزمایش به دست آورند، اما برخی دیگر ممکن است هزینه‌های قابل توجهی را از انجام آزمایش متحمل شوند (کستن بروتو و بولکلی<sup>۸</sup>، ۲۰۱۳). آزمایش یک فعالیت خنثی نیست، اما از آن جایی که تأکید کلی بر هر اقدامی خارج از قلمرو دولت است (که در آن هر اقدامی درخصوص تغییر اقلیم حاکم گاهی اوقات بهتر از بن‌بست بین‌المللی تلقی می‌شود)، پویایی سیاسی آزمایش‌ها به راحتی از بین می‌رود (همان‌طور که قبلاً توسط هافمن، ۲۰۱۱: ۱۵۶ مشاهده شد)؛ بنابراین توجه به اهداف پشت آزمایش‌ها و یا سطوح توافق در مورد موضوع آزمایش‌ها ضروری است.

<sup>1</sup> Den Uyl

<sup>2</sup> Jordan

<sup>3</sup> McGuirk

<sup>4</sup> Hoffmann

<sup>5</sup> Bandwagon Effect:

معمولاً افراد هنگامی که متوجه شوند (یا به آنان القا شود) که افراد بسیار دیگری به اندیشه‌ای معتقدند، احتمال اینکه بدون اندیشه آن را بپذیرند، بسیار افزایش می‌یابد. به این اثر، اثر آرایه موسیقی یا اثر واگنی گویند و بر پایه آن روش‌هایی برای پروپاگاندا بنیان می‌شود. این اثر نوعی سوگیری شناختی است که طی آن، فرد عملی را فقط به این دلیل انجام می‌دهد که دیگران نیز دارند همان کار را می‌کنند.

<sup>6</sup> Wildavsky

<sup>7</sup> If everything is an experiment, then maybe nothing is an experiment.

<sup>8</sup> Castán Broto & Bulkeley

موضوع سوم، روشی است که آزمایش‌ها برای تولید شواهد مرتبط با خط‌مشی‌ها اجرا می‌شوند. آزمایش‌ها آشکارا تجسمی از یک ایده جدید هستند، اما تجزیه و تحلیل این‌که چه کسی می‌تواند این ایده‌ها را پیاده‌سازی کند، چه کسی در تولید شواهد در مورد اثربخشی آن‌ها نقش دارد، چه نوع اطلاعاتی باید جمع‌آوری شود، و از چه قوانینی درخصوص شواهد استفاده می‌شود، بسیار مهم است. بسیاری از مسائل مربوط به پیامدهای سیاسی در زیر سطح پنهان هستند؛ به عنوان مثال، آیا می‌توان از نتایج آزمایشی معتبر تنها زمانی صحبت کرد که دانشمندان مستقل برای ارزیابی آزمایش حضور داشته باشند یا خیر، یا این‌که آیا می‌توان مشروعیت آزمایش‌ها و نتایج آن‌ها را با قوانین مرزی (محدوده‌ای) آن‌ها افزایش داد به طوری‌که مرز آن‌ها باز باشد و بسیاری از احزاب بتوانند با هم آزمایش کنند یا خیر.

چهارمین و آخرین مبحث به آن‌چه آزمایش‌ها از طریق یادگیری مرتبط با خط‌مشی و در نهایت تغییر خط‌مشی تولید می‌کنند، مربوط می‌شود. آنسل و بارتنبرگر (۲۰۱۶: ۷۰) پیشنهاد می‌کنند که میل به یادگیری چیزی است که همه ادراکات مربوط به آزمایش را یکپارچه می‌کند. آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که دو نوع یادگیری غالب است: یادگیری معرفتی، که در مورد درک علمی از جهان است، و یادگیری سیاسی، که در مورد تغییر در ترجیحات، اهداف و تعهدات ذی‌نفعان است؛ اما دست‌کم در بحث‌های کنونی درخصوص آزمایش‌ها در مطالعات علوم سیاسی، یادگیری از آزمایش‌ها اغلب بدیهی تلقی می‌شود (مک‌فادن<sup>۱</sup> و هویتما، ۲۰۱۷)، در حالی که در واقعیت، شواهد تجربی ممکن است تنها یک مورد (یک شاخص) برای تصمیم‌گیرندگان امر باشد. درک چنین تأثیراتی مستلزم درک بهتر روشی است که در آن آزمایش‌ها (به لحاظ راهبردی) در اشاعه و ارزیابی نوآوری‌های سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرند (جردن و هویتما، ۲۰۱۴)، اگرچه ادبیات کارآفرینی سیاست<sup>۲</sup> حاوی نکاتی در مورد نقش «داستان موفقیت‌ها» است. (هویتما و میجرینک<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹).

کاوش در مورد این چهار موضوع در بخش «آزمایش کردن در علوم اجتماعی، با تمرکز ویژه بر علوم سیاسی» آغاز می‌شود. در این بخش مفهوم آزمایش در علوم اجتماعی به طور کلی و علوم سیاست و خط‌مشی‌گذاری به طور خاص، بررسی می‌شود. موضوع آزمایش کردن هنوز یک موضوع مهم در علوم سیاست‌گذاری است، هرچند که دارای پیشینه قابل توجهی نیز هست. در این بخش تأکید می‌شود که چندین تفسیر از آزمایش مرتبط با سیاست وجود دارد، از تفاسیر کاملاً انحصاری (آزمایش به عنوان یک روش تحقیق) تا تفسیرهایی که بسیار فراگیر هستند و موضوعات بسیار گسترده‌تری از حکمرانی را دربر می‌گیرند. گمان بر این است که علوم سیاست‌گذاری چیزهای زیادی برای اضافه کردن و گرفتن از مباحث آزمایشی دارد. پس از آن، سه موضوع دیگر پویایی‌های سیاسی، حکمرانی و تأثیرات بررسی می‌شود و به‌طور مشابه، مورد بررسی قرار می‌گیرد. هدف، شناسایی محدوده‌های اصلی توافق و اختلاف و نقاط مشترک با حوزه آزمایشی برای ورود علوم سیاست‌گذاری است.

در بخش «آزمایش: دیدگاه‌های جدید و نوظهور»، در مورد آن‌چه که مقالات برای کمک به حصول درک از چهار موضوع مذکور فراهم می‌کنند، بحث می‌شود. این بحث با تعدادی پیشنهاد در مورد چگونگی توسعه یک دستورکار تحقیقاتی جدید، منسجم و غنی به پایان می‌رسد که بر بینش‌های علوم سیاسی تکیه می‌کند و درک جمعی از آزمایش در سیستم‌های اجتماعی را ارتقا می‌دهد.

## ادبیات نظری

### آزمایش کردن در علوم اجتماعی، با تمرکز ویژه بر علوم سیاسی

علوم اجتماعی سنت دیرینه‌ای در تأمل در باب آزمایش کردن دارد، که بیشتر آن به اوایل قرن بیستم و تفکر در مورد عمل‌گرایی<sup>۴</sup> بازمی‌گردد. آنسل و بارتنبرگر (۲۰۱۶: ۶۵) پیشنهاد می‌کنند که اندیشه عمل‌گرایانه، ابزارها و اهداف را به هم مرتبط

<sup>1</sup> McFadgen

<sup>2</sup> Policy Entrepreneurship

<sup>3</sup> Meijerink

<sup>4</sup> Pragmatism

می‌داند. یک مفهوم کلیدی در پراگماتیسم، «تجربه‌گرایی»<sup>۱</sup> است، که عبارت است از: فرآیند انطباق تکراری با شرایط و تجربیات جدید که مستلزم داشتن تصوّر معینی از پیشرفت و بهبود است، اما نقطه پایانی برای غایت‌شناختی آن وجود ندارد. این دیدگاه منجر به مهم شمردن روند تاریخی و درک رشد به عنوان بازسازی مداوم تجربه می‌شود.

آنسل و بارتنبگر متعاقباً بحث می‌کنند که چه‌گونه چارلز پیرس<sup>۲</sup> و جان دیویی<sup>۳</sup> هر دو برای توضیح بیشتر مفهوم آزمایش، هرچند از زوایای مختلف، بسیار تلاش کردند؛ چنان‌که بقایای اندیشه آن‌ها در مباحث جاری نیز باقی مانده است. پیرس آزمایش را به عنوان روشی برای تحقیقات علمی توضیح داد و یکی از اولین کسانی بود که نقش تصادفی‌سازی در آزمایش‌ها را مورد بحث قرار داد (همان: ۶۵). این رویکرد شامل مداخلات یا درمان‌های فعال، تصادفی‌سازی و تجزیه و تحلیل آماری با هدف تولید شواهد معتبر درباره علّت و معلول، و نزدیک‌تر شدن به ایده‌آل باکونی<sup>۴</sup> از آزمایش<sup>۵</sup> است (ویلند<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۷).

در مقابل، دیویی به دنبال آن بود که آزمایش را به یک پدیده اصلی در دموکراسی و اخلاق تبدیل کند، بنابراین، به نیاز به بررسی و آزمون و خطا در حل مشکلات بخش خصوصی و عمومی تأکید کرد. بنابراین برای او، آزمایش به عنوان رویکردی برای حکمرانی تلقی می‌شود. از این نگاه در واقع ماهیت آزمایش، آزمایش رویکردهای جدید در عمل است. آنسل و بارتنبگر (همان: ۶۶-۶۷) پیشنهاد می‌کنند که دو نوع از این دیدگاه وجود دارد. اولین مورد را «تجربه‌گرایی داروینی» می‌نامند، که بر سیستم‌ها یا بوم‌شناسی‌های نوآوری تمرکز دارد و بر سطوح بالایی از تنوع تأکید می‌کند، به طوری که بدین وسیله بسیاری از رویکردهای واگرا امتحان می‌شوند. دومی را «آزمایش مولّد» می‌نامند، که اساساً مربوط به آزمایش یک نوآوری خاص و بهبود مداوم آن براساس تجربه است.

دونالد تی کمپبل<sup>۷</sup> شناخته‌شده‌ترین نماینده آزمایش در علوم سیاسی است، اگرچه او آشکارا بر تعداد کمی از رشته‌های دیگر تأثیر گذاشته است (کمپبل، ۱۹۹۷؛ دان<sup>۸</sup>، ۱۹۹۷). او آزمایش‌ها را معیار طلایی برای تحقیقات علمی می‌داندست و تصادفی‌سازی را ویژگی تعیین‌کننده آزمایش می‌شمرد. با این حال، کمپبل بینش گسترده‌تری از این‌که چه‌گونه آزمایش کردن می‌تواند به حکمرانی بهتر کمک کند، ایجاد کرد. کمپبل (به قول او) ایده‌آل آرمان‌شهری از جامعه‌ای در حال آزمایش را فرموله کرد. او حدس زد که این جامعه با ترجیح تمرکززدایی و تنوع، تمایل به اقدام به جای انفعال، برتری در ارزیابی صادقانه براساس داده‌های شفاف تولیدشده به شیوه‌ای پاسخگو، و تمایل به تغییر نظریه‌ها و ارزش‌ها در مواجهه با شواهد نادرست شناخته می‌شود. متعاقباً، بسیاری از کارهای او به روش‌هایی اختصاص یافت که از طریق آن‌ها آزمایش‌ها می‌توانستند به پیشرفت یادگیری کمک کنند، که برای او باید با رویکردهای غیرانعکاسی و بیش از حد ایدئولوژیک در حکومت‌داری مقایسه می‌شد. نفوذ کمپبل هنوز هم امروزه قابل احساس است. تفکر او هنوز بر کسانی که مایل به استفاده از آزمایش به عنوان یک روش تحقیق هستند، تأثیر می‌گذارد (مک‌درموت، ۲۰۰۲). هاو (۲۰۰۴: ۴۲) خلاصه خوبی از بحث‌های مرتبط در میان این افراد ارائه می‌دهد؛ به عنوان مثال بر این سؤال تمرکز می‌کند که آیا آزمایش باید به عنوان یک روش تحقیق مستقل در نظر گرفته شود یا بخشی از مجموعه‌ای از روش‌ها؛ که در این صورت آیا باید انحرافات از طرح‌های دقیق آزمایشی را پذیرفت یا خیر؛ و آیا امکان جمع‌آوری داده‌های کیفی (به جای کمی) در آزمایش وجود دارد یا خیر. کار کمپبل همچنین به پژوهش‌های اخیر، به عنوان مثال در مورد اشکال حکمرانی تجربی کمک کرده است (سابل و زیتلین<sup>۸</sup>، ۲۰۰۸).

<sup>1</sup> Experimentalism

<sup>2</sup> Charles Peirce

<sup>3</sup> John Dewey

<sup>4</sup> Baconian ideal of experimentation

<sup>5</sup> Weiland

<sup>6</sup> Donald T. Campbell

<sup>7</sup> Dunn

<sup>8</sup> Sabel and Zeitlin

برخلاف تأثیر کمپبل، منصفانه است اگر گفته شود که آزمایش در علوم سیاسی مرکز توجه نبوده است. تعداد بسیار معدودی از کتاب‌های درسی این مفهوم را حتی نمایه می‌کنند (اندرسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶). ویرایش جدید کتاب جیمز<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۷) احتمالاً یکی از اولین مواردی است که به دنبال تجدید علاقه به آزمایش است، آن هم مطابق با چیزی که هاو (۲۰۰۴) آن را تجربی‌گرایی روش‌های مختلط می‌نامد (یعنی نگرش به آزمایش‌ها به عنوان یک روش تحقیق، یا بخشی از مجموعه روش‌ها). بسیاری از محققان بر آزمایش‌ها به عنوان یک روش تحقیق تمرکز می‌کنند و تعاریف نسبتاً سخت‌گیرانه‌ای را در مورد آنچه به عنوان آزمایش به حساب می‌آید، اعمال می‌کنند (تصادفی‌سازی نکته‌ای کلیدی در این بحث است که در نظر گرفته می‌شود)، اما آزمایش نیز با تمام نواقص و فواید، در کنار طیف وسیعی از روش‌های تحقیقاتی دیگر قرار می‌گیرد.

لی و ون رایزین<sup>۳</sup> (۲۰۱۷) در بخشی از کتاب خود، تعداد مطالعات آزمایشی در «مجلات مدیریت عمومی»<sup>۴</sup> را بررسی کردند و دریافتند که تعداد مقالاتی که مطالعات آزمایشی را توصیف می‌کنند در اوایل دهه ۱۹۹۰، تنها ۲ تا ۴ مقاله در سال بود. صعود بسیار آهسته برای رسیدن به اوج ۱۸ مورد در سال، در سال ۲۰۱۵ به وقوع پیوست (لی و ون رایزین، ۲۰۱۷). علاوه بر این، قابل توجه است که چه‌گونه مطالعات سنتی علوم سیاست‌گذاری که به آزمایش‌هایی اشاره می‌کنند، عمدتاً بر تعداد محدودی از زمینه‌های سیاست، به ویژه سیاست اجتماعی و آموزش متمرکز شده‌اند (به عنوان مثال، گرینبرگ<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۰۳)، ۱۴۳ آزمایش را در سیاست اجتماعی مطالعه کرده‌اند). تقریباً در همه این‌گونه مطالعات، آزمایش به عنوان یک روش تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد و یک تعریف کاملاً دقیق (نئوکلاسیک) از آن چه که یک آزمایش را تشکیل می‌دهد، اعمال می‌شود. این مفهوم از آزمایش در علوم سیاست‌گذاری غالب است.

دانشمندان علوم سیاسی اشاره کرده‌اند که آزمایش کردن -هم‌چنین زمانی که به عنوان یک روش تحقیق به کار می‌رود- یک فعالیت خنثی (بدون جهت‌گیری) نیست. این نکته فقط به وضعیت پیرامونی آزمایشات مربوط نمی‌شود؛ بلکه در درون سیاست نیز جهت‌گیری فراوان است. این وضعیت به این دلیل است که انتخاب اقدامات برای مطالعه و تفسیر و ارائه نتایج اغلب به ارزش‌ها و تأثیر افراد و نهادهای درگیر بستگی دارد (گوبا و لینکلن<sup>۶</sup>، ۱۹۸۹). کار برودکین و کافمن<sup>۷</sup> (۲۰۰۰)، در مورد آزمایش‌ها در سیاست اجتماعی، نشان می‌دهد که چه‌گونه آزمایش‌ها با ایده‌های سیاسی آمیخته می‌شوند و آن‌ها اذعان می‌کنند که در عمل آزمایش‌ها اغلب ایده‌های موجود را تأیید می‌کنند، نه این که آن‌ها را به چالش بکشند.

به عنوان نمونه، ساندerson<sup>۸</sup> (۲۰۰۲: ۱۷-۱۳) تجربه بریتانیا را با آزمایش‌های تحت نظر دولت‌های کارگر جدید در بریتانیا مورد مطالعه قرار داد، که مایل بودند بر سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد تأکید کنند - زمینه‌ای که به لحاظ تئوری نسبتاً برای آزمایش مناسب بود. آزمایش‌ها به‌منظور ارائه شواهدی برای سیاست‌گذاری بودند، اما ساندerson دریافت که حزب حاکم بیشتر علاقه‌مند به نمایش رویکردهای ترجیحی خود از طریق آزمایشگران بود، نه اینکه ایده‌های متعدّد و متنوعی را آزمایش کند. طراحی‌های آزمایشی اغلب برای زمینه‌های معمول سیاست‌گذاری نماینده خوبی نبودند، زیرا در این فضا، منابع (مالی و غیر مالی) اضافی برای افزایش شانس موفقیت یک آزمایش فراهم می‌شد.

برودکین و کافمن (۲۰۰۰) اضافه می‌کنند که شرایط سیاسی همیشه در حال تغییر، چالش‌ها و فرصت‌هایی را برای کسانی که از ایده‌های جدید حمایت می‌کنند، فراهم می‌کند. ایده‌هایی که آزمایش‌های خاص را هدایت می‌کنند، ممکن است برای مدت طولانی در مُد باقی بمانند یا نمانند. این بدان معناست که تا زمانی که آزمایش‌ها شروع به تولید شواهد کنند، ممکن است چشم‌انداز سیاسی اطراف آن‌ها تغییر کرده باشد. بنابراین، آزمایش‌ها ممکن است به عنوان کپسول‌های زمانی دوران قبل عمل کنند. تفسیر

<sup>1</sup> Anderson

<sup>2</sup> James

<sup>3</sup> Li & Van Ryzin

<sup>4</sup> Public Management Journals

<sup>5</sup> Greenberg

<sup>6</sup> Guba & Lincoln

<sup>7</sup> Brodtkin & Kaufman

<sup>8</sup> Sanderson

آزمایش نیز -صرف نظر از ریشه های ایدئولوژیک- یک فرآیند اجتناب ناپذیر سیاسی است که ممکن است مخالفان مختلف از آزمایش به عنوان ابزاری برای دفاع از نظر خود استفاده کنند.

از آن جایی که تصوّر غالب در خصوص آزمایش ها در علوم سیاسی این است که آزمایش کردن عمدتاً یک روش تحقیق است، طرفداران آزمایش کردن توجّه محدودی به مسائل حاکمیتی داشته اند و آزمایش ها را عمدتاً در شرایط کاملاً محدود و روش شناختی می بینند (مثلاً این که وجود یک گروه کنترل چه قدر ضروری است، تصادفی سازی چه قدر مهم است، مقوله شبیه آزمایش ها چه قدر مرتبط است؟ و...) (هاو، ۲۰۰۴). اما در دوره بین جنگ جهانی دوم و دهه ۱۹۷۰، تفکر در مورد مقیاس درست آزمایش ها کمی توسعه یافت. این دوره، دوره ای بود که در آن نقش دولت در بسیاری از جوامع به سرعت گسترش یافت و مدل برنامه ریزی منطقی<sup>۱</sup> مدّ بود (هویتما و همکاران، ۲۰۰۹). در قلب این تفکر، تحلیل سیاست عقلانی قرار داشت: تصمیمات باید براساس تحلیل علمی موضوعات مختلف به ویژه موضوعات ریسکی باشد. فرض بر این بود که برنامه ریزی به رهبری دولت باید توسعه اجتماعی را هدایت کند و منطق سودگرایانه<sup>۲</sup> (همان طور که در تحلیل هزینه و فایده<sup>۳</sup> بیان می شود) باید تصمیم گیری را هدایت کند. در دوره پس از جنگ جهانی دوم، فرض بر این بود که دولت ها می توانند و باید در صورت لزوم با آزمایش های بزرگ مقیاس در سیستم های اجتماعی مداخله کنند (ون گانستر<sup>۴</sup>، ۱۹۷۶)؛ اما در عصر کنونی با دولت های کوچک تر و لاغرتر، بیزاری آشکار از آزمایش های بزرگ در مقیاس بزرگ وجود دارد (بابرو و دریزک<sup>۵</sup>، ۱۹۸۷: ۱۴۲). در عوض، مفاهیمی مانند «مهندسی تکه تکه<sup>۶</sup>» (پوپر<sup>۷</sup>، ۱۹۸۵: ۳۰۹) و «یادگیری آزمون و خطا<sup>۸</sup>» (کالینگریج<sup>۹</sup>، ۱۹۹۲) به عنوان راهنماهای مناسب تری برای سیاست گذاری در نظر گرفته شده اند. مفهوم تصمیم گیری مبتنی بر شواهد، یکی دیگر از نشانه های این گرایش بود. امروزه این وظیفه برعهده دولت است تا نشان دهد که مداخله ضروری است. وقتی چنین شواهدی وجود نداشته باشد، فرض اولیه این است که دولت باید از اقدام خودداری کند. به عبارت دیگر، آزمایش ها به ابزاری برای نشان دادن نیاز به تغییر خطّ مشی تبدیل می شوند، در مقابل ابزاری برای ایجاد تغییر.

در نهایت، گرینبرگ و همکاران (۲۰۰۳: ۴۶) اضافه می کنند که مفهوم آزمایش برای موقعیتی که در آن یک تصمیم گیرنده با اهداف روشن، مجموعه محدودی از خطّ مشی های قابل جایگزینی شناخته شده، و زمان کافی برای حصول نتایج تحقیق وجود دارد، بهترین کارآمدی را دارد. از آن جا که زمانه، زمان تردید در مورد قدرت ایده ها (و راه حل های) بزرگ است و جهان، جهانی با «خلأهای نهادی» بیشتر و «دولت بزرگ» کمتر است (هاجر<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۳)، جای تعجب نیست که یک بازگشت به عقب به آزمایش ها وجود داشته باشد؛ فقط این بار آزمایش هایی کوچک تر، اکتشافی تر و از حیث خواسته ها بسیار ساده تر.

در دهه ۱۹۶۰، هارولد لاسول<sup>۱۱</sup> بیان داشت که آزمایش ها سه هدف را دنبال می کنند: بهبود شیوه های سیاست گذاری، تولید دانش علمی، و ایجاد ظرفیت برای اجرای روش های جدید اجرای خطّ مشی ها. از نظر پارسونز<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۵: ۵۵۲)، هر سه هدف، سطح معینی از یادگیری و ترجمه ای متعاقب را برای شیوه های سیاست گذاری فرض می کنند. بابرو و دریزک (۱۹۸۷) پیشنهاد کردند که یادگیری از آزمایش باید در پرتو فلسفه علم پوپری<sup>۱۳</sup> دیده شود که از دیدگاه آن، کلّ دانش موقتی و در معرض ابطال تلقی می شود. در این راستا، سیاست ها باید به عنوان فرضیه های قابل آزمایش در نظر گرفته شوند؛ یعنی آن ها باید براساس بهترین تئوری موجود باشند و باید از طریق آزمایش های کوچک مقیاس قابل آزمایش باشند (از این رو پیش از این به مهندسی اجتماعی تکه ای اشاره

<sup>1</sup> Rational Planning Model

<sup>2</sup> Utilitarian Logic

<sup>3</sup> Cost-Benefit Analysis

<sup>4</sup> Van Gunsteren

<sup>5</sup> Bobrow & Dryzek

<sup>6</sup> Piecemeal Engineering

<sup>7</sup> Popper

<sup>8</sup> Trial and Error Learning

<sup>9</sup> Collingridge

<sup>10</sup> Hajer

<sup>11</sup> Harold Lasswell

<sup>12</sup> Parsons

<sup>13</sup> Popperian Philosophy of Science

شد). بحث در مورد نتایج چنین آزمایش‌هایی باید برای هرکسی که می‌خواهد در مناظره شرکت کند آزاد باشد تا یک آمیخته‌ای آزادانه از پیشنهادات و انتقادات شکل گیرد (چیزی که دونالد کمپبل از آن به عنوان «دیالکتیک استدلال‌های تجربی»<sup>۱</sup> یاد کرد). (بابرو و دریزک، ۱۹۸۷: ۱۴۰). دانش در مورد نتایج آزمایش‌ها قطعاً نباید در انحصار تکنوکرات‌ها باشد. بابرو و دریزک (همان) پیشنهاد می‌کنند که این ایده‌آل‌ها جذابیت خود را از دست داده‌اند، زیرا سازمان‌دهندگان آزمایش‌ها عموماً علاقه کمتری به گفتگو با عموم مردم دارند تا «ایجاد روابط مشتری و تحلیل‌گر که منابعی را برای آزمایش‌های میدانی به دست می‌آورد.» (همان: ۱۴۰). اگر این نظر درست باشد، ایده‌آل تجربی‌گرایی دموکراتیک (در مقابل تجربی‌گرایی تکنوکراتیک مقیاس کوچک) احتمالاً برای همیشه تحقق نیافته باقی خواهد ماند.

در مورد ظرفیت یادگیری از آزمایش، که به عنوان یک روش تحقیق درک می‌شود، در علوم سیاست‌گذاری نیز ابهامات زیادی وجود دارد. به عنوان مثال، فرانک فیشر<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) بیان کرده است که آزمایش‌ها به طور بالقوه پیشرفت فکری را در نطفه خفه می‌کنند. این امر به این دلیل است که بر خلاف عملگرایان (پراگمات‌ها)، عقاید فیشر منحصراً بر ابزار تمرکز می‌کنند و نه اهداف. علاوه بر این، آزمایش می‌تواند تنها یک ایده را در یک زمان آزمایش کند و در هر صورت همیشه زمان و منابع قابل توجهی را جذب می‌کند. این نکته بازتاب همان نظر بابرو و دریزک (۱۹۸۷: ۱۴۸) است که ادعا می‌کردند که طبقه‌ای از مسائلی که آزمایش برای آن‌ها مناسب است، احتمالاً آن قدر کوچک است که تقریباً هیچ است! این محققان بیان می‌کنند که آزمایش زمانی مناسب است که «مسئله‌ای با ساختار مناسب، ایستا و بسیار تجزیه‌پذیر، با اجماع بر روی معیارهایی که باید برای حل آن اعمال شود» وجود داشته باشد.

علوم سیاسی بینش مختصری در مورد نحوه تبدیل نتایج آزمایشی به تغییرات خطّ مشی ارائه می‌دهد، هرچند که ادبیات گسترده‌تری در مورد چگونگی ارزیابی تأثیر سیاست بر سیاست وجود دارد. این ادبیات توسط مارک و هنری<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) بررسی شده است، اما آن‌ها هیچ اشاره‌ای به آزمایش‌ها به عنوان عاملی برای توضیح تأثیرات سیاست‌ها نکرده‌اند. با این حال، اشاراتی به استفاده از آزمایش‌ها توسط کارآفرینان سیاست‌گذاری وجود دارد. رابرتز<sup>۴</sup> (۱۹۹۲) ادعا می‌کند که کارآفرینان از آزمایش‌ها برای آزمایش بقای نوآوری‌های خود استفاده می‌کنند. در مقابل، جان<sup>۵</sup> (۲۰۱۷) پیشنهاد کرده است که هر کسی که آزمایشی را اجرا می‌کند، واجد شرایط کارآفرینی سیاسی است.

## آزمایش: دیدگاه‌های جدید و نوظهور

ریشه‌های مباحث علوم اجتماعی در مورد آزمایش را می‌توان در دیدگاه عمل‌گرایان جستجو کرد که برخی از آن‌ها از آزمایش به عنوان یک روش تحقیق، و برخی دیگر به عنوان رویکردی برای حاکمیت حمایت می‌کردند. در حوزه علوم سیاسی، بحث در مورد آزمایش تا حدّ زیادی به عنوان یک روش تحقیق در جریان است، و تعداد محدودی از نویسندگان پیشنهاد کرده‌اند که در این خصوص محدودیت‌ها و پیچیدگی‌های بالقوه زیادی وجود دارد. آیا این چالش‌ها در این دو حوزه وجود ندارند؟ اگر نه، آیا علمای سیاست باید انتظارات خود را در مورد آزمایشات سیاسی اصلاح کنند؟ یا شاید کسانی که در مورد آزمایش‌ها می‌نویسند باید به هشدارهای بسیاری که دانشمندان سیاست‌گذاری صادر می‌کنند، توجه نمایند؟ در این بخش، ابتدا بر بحث‌ها و پیشرفت‌های مفهومی تمرکز می‌شود، سپس بر بینش‌های مربوط به پویایی‌های سیاسی پیرامون آزمایش‌ها. پس از آن، به بینش‌هایی در مورد نحوه مدیریت آزمایش‌ها پرداخته می‌شود و در نهایت بر تأثیر آزمایش‌های سیاست‌گذاری تمرکز می‌شود. جالب توجه است که هیچ یک از نکات مطرح شده در این موضوع خاص به درک آزمایش به عنوان یک روش تحقیق مربوط نمی‌شود و همه موارد بر روی

<sup>1</sup> Dialectic of Experimental Arguments

<sup>2</sup> Frank Fischer

<sup>3</sup> Mark & Henry

<sup>4</sup> Roberts

<sup>5</sup> John

آزمایش به عنوان یک رویکرد به حکمرانی تمرکز می کنند. این دیدگاه، پیامدهایی برای تحلیل ها و نتیجه گیری های بعدی فراهم می آورد.

مک فاجن و هویتما (۲۰۱۸) در مشارکت خود در مورد نقش آزمایش در نحوه رسیدگی مدیران آب کشور هلند به موضوع تغییرات آب و هوایی، یک آزمایش سیاستی را با عنوان «یک آزمایش میدانی موقت و کنترل شده از یک نوآوری مرتبط با سیاست که شواهدی را برای تصمیمات سیاسی متعاقب تولید می کند» تعریف می کنند. این تعریف ماهیت قیاسی آزمایش را برجسته می کند، به این معنا که فرض اساسی این است که آزمایش ها بنا به تعریف باید یک نظریه (عمل) اساسی داشته باشند که می تواند درست یا نادرست بودن آن را ثابت کند. این معیار اکثر آزمایش ها را از فهرست طولانی پروژه هایی که با عملکرد خود برای مقامات آب و فاضلاب هلند گزارش تهیه کرده بودند، حذف کرد. در واقع، از ۱۸۰ پروژه ای که سیاست گذاران به عنوان آزمایش در نظر گرفتند، تنها ۱۴ پروژه حاوی نظریه مداخله بودند. یکی از دلالت های احتمالی این یافته این است که واژه آزمایش در عمل به طور متفاوتی استفاده می شود، یعنی به قصد انجام کاری جدید اشاره می کند که از یک منطق استقرایی پیروی می کند.

برنشتاین<sup>۱</sup> و هافمن (۲۰۱۸) در مطالعه خود در مورد روشی که آزمایش ها می توانند به دگرگونی های اجتماعی ریشه ای کمک کنند، از منطق استقرایی بیشتر استقبال می کنند. آن ها نتیجه می گیرند که مفهوم سازی های مختلفی از آزمایش ها وجود دارد، اما همه این تصور را دارند که چیزی جدید در حال آزمایش است یعنی مداخله ای آگاهانه وجود دارد که با وضعیت موجود متفاوت است (همان). آن ها به ابوت<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) استناد می کنند که پیشنهاد می کند که آزمایش ها بسته به سطح آگاهانه بودن آزمایش و کنترل بر فرآیند آن می توانند رسمی یا غیررسمی باشند. آزمایش های رسمی مشابه آزمایش های کنترل شده آزمایشگاهی هستند و آزمایش های غیررسمی به درکی استعاری تر از آزمایش های حاکمیتی به عنوان تلاش های جدیدی برای اداره اقلیم توسط بازیگران غیررسمی جهان کمک می کنند (برنشتاین و هافمن، ۲۰۱۸). این پژوهشگران با تمرکز بر فعالیت های بازیگران محلی (ایالت ها، استان ها، شهرها، همچنین ابتکارات جامعه مدنی و شرکت ها) در چارچوب بحث های جهانی، خود را در انتهای غیررسمی طیف قرار می دهند و پیشنهاد می کنند که زمانی که مباحث جهانی به بن بست رسید، بازیگران محلی مسئولیت را برعهده گرفته اند.

برنشتاین و هافمن (۲۰۱۸) زمانی که سعی می کنند یک مدل ساده از روشی که آزمایش ها واقعیت را تغییر می دهند ایجاد کنند، یک نوآوری مفهومی بالقوه بسیار جالب را ارائه می کنند. در تحقیق آن ها متغیر وابسته در مدل، تأثیری است که آزمایش ها روی قفل های اقتصادی<sup>۳</sup> دارند. اصرار بر ویژگی سیاسی آزمایش ها که آن ها به ویژه به آن علاقه مند هستند، شامل: ۱) سیاستی که آزمایش ها تولید می کنند و ۲) مسیرهای بعدی برای تغییر که آن ها ایجاد می کنند است. با توجه به موضوع ۱، آن ها پیشنهاد می کنند که آزمایش ها بر آن چه طبیعی تلقی می شود، و چگونگی هدایت ظرفیت ها و توسعه ائتلاف ها، تأثیر می گذارند و به صراحت نشان می دهند که هر اقدامی که بر چارچوب، ظرفیت ها یا ائتلاف ها تأثیر بگذارد، ناگزیر به اقدام متقابل می شود. در مورد مبحث ۲، پیشنهاد می کنند که بسته به ماهیت سیاستی که ظاهر می شود، آزمایش ها می توانند قفل های اقتصادی موجود را تقویت کنند، به بهبود این قفل های اقتصادی کمک کنند، یا منجر به شکستن قفل های اقتصادی شوند.

یکی از مزیت های نظری و سوسه انگیز تفکر در مورد قفل های اقتصادی این است که یک مداخله تجربی در یک عنصر از یک سیستم درهم بسته ممکن است اختلال (و در نتیجه اثرات بالقوه) در قسمت های دیگر ایجاد کند. برای توصیف این اثرات، برنشتاین و هافمن (۲۰۱۸) اصطلاحات «مقیاس بندی» و «استحکام» را معرفی کرده اند. مقیاس بندی به روشی مربوط می شود که در آن یک آزمایش موفق، به آزمایش های بیشتر، آزمایش های مقیاس بزرگ تر یا آزمایش هایی در قلمروهای دیگر حکمرانی منجر می شود. استحکام به چسبندگی نوآوری های ارائه شده توسط آزمایش ها مربوط می شود. برخی از سیاست های جدید ممکن است بلافاصله

<sup>1</sup> Bernstein

<sup>2</sup> Abbott

<sup>۳</sup> اثر قفل به وضعیتی اشاره دارد که در آن مصرف کنندگان برای یک خدمت خاص به یک تولیدکننده یا تأمین کننده وابسته هستند و نمی توانند بدون هزینه های قابل توجه یا ناراحتی به فروشنده دیگری مراجعه کنند.

قفل شوند (مثل این که همیشه وجود داشته‌اند)، برخی از سیاست‌ها در طول زمان مزایای فزاینده‌ای دارند و جمعیت‌های جدید ممکن است به سیاست جدید بپیوندند.

ووس و سیمونز<sup>۱</sup> (۲۰۱۸)، در مطالعه خود در مورد نحوه تبدیل شدن تجارت آلاینده‌ها به یک گزینه سیاستی معتبر و مشروع، ادعای مفهومی مهمی در مورد آزمایش‌ها دارند. آن‌ها تصویری فراتر از لاسول دارند که بیان می‌کند که آزمایش‌ها تا حدی با ایجاد ظرفیت بر واقعیت تأثیر می‌گذارند؛ آن‌ها ماهیت شکل‌دهی واقعیت توسط آزمایش‌ها را کشف می‌کنند. اگر و زمانی که مداخله‌ای موفقیت‌آمیز تلقی شود، دست‌کاری موردنظر مبنای تلاش‌های بیشتر برای مدل‌سازی و شکل دادن به واقعیت خواهد بود. آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که آزمایش‌ها می‌توانند دو نقش مهم را ایفا کنند، که از آن به عنوان «واقعیت‌سازی علمی» و «واقعیت‌سازی سیاسی» یاد می‌کنند. هر دو شکل شامل اعمال مشابهی مانند نشان دادن یک شرط، توجیه ادعاها و برقراری نظم هستند؛ اما تفاوت‌های زیادی در آن‌چه در آزمایشگاه و میدان در حال وقوع است، یعنی قدرت معرفتی در مقابل قدرت سیاسی، وجود دارد. نوع شواهد در نظر گرفته شده و تعهدات نیز متفاوت است.

ووس و سیمونز (۲۰۱۸) که معتقدند آزمایش‌ها ذاتاً سیاسی هستند، به لحاظ دیدگاه با دانشمندان سیاست‌گذاری در یک جبهه قرار می‌گیرند. این امر به این دلیل است که مشاهده خنثی امری غیرممکن است و اغلب مقدمات شروع یک آزمایش بسیار مهم است. آن‌ها آزمایش‌ها را به عنوان حقایقی که در ارتباط میان علم و سیاست عمل می‌کنند، مفهوم‌سازی می‌کنند و معتقدند که این دو زمینه (علم و سیاست) بیشتر از آن‌چه معمولاً تصدیق می‌شود، درهم تنیده هستند. یکی از مهم‌ترین مشارکت‌های این اندیشمندان در این خصوص این است که نشان می‌دهند که آزمایش‌ها چه‌گونه نه از طریق تلاش یک‌باره برای تولید شواهد، بلکه در یک فرآیند طولانی و پیچیده که ممکن است در واقع آزمایش‌های متعدد (و سایر راه‌های جمع‌آوری شواهد) را دربرگیرد، نقش ایفا می‌کنند. ووس و سیمونز با تشریح مسیر طولانی و دشوار آزمایش‌های آزمایشگاهی و آزمایش‌های میدانی، به اقتدار معرفتی این ایده در راستای شکل‌گیری حمایت سیاسی کمک کردند. آن‌ها همچنین بر اهمیت زمان تأکید می‌کنند. آزمایش‌های سیاسی در طی چندین دهه تکامل یافته‌اند، بنابراین با این ایده که آزمایش‌ها ممکن است عملکرد غیرمستقیم (یا روشنگری) را در دراز مدت انجام دهند، موافق هستند (ویس<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷).

مشارکت روکل و سالز<sup>۳</sup> (۲۰۱۷) حساسیت‌های سیاسی پیرامون آزمایش‌ها را نیز نشان می‌دهد. آن‌ها در تحلیل خود از آن‌چه که اساساً یک آزمایش فکری درخصوص عقب‌نشینی برنامه‌ریزی شده از خط ساحلی در حال فرسایش در منطقه آکیتن<sup>۴</sup> جنوب غربی فرانسه بود، نشان می‌دهند که چارچوب اولیه آزمایش‌ها چه‌قدر اهمیت دارد. دولت ملی فرانسه در حال بررسی عقب‌نشینی برنامه‌ریزی شده بود، اما با مقاومت محلی زیادی در برابر این ایده مواجه شد. از جوامع داوطلب خواسته شد که برای یک فرآیند مشارکتی که به طور فعال عقب‌نشینی را از طریق یک سناریوی مبتنی بر ترکیب با بازیگری برگشتی در نظر می‌گیرد، جلو آمده و پول دریافت کنند. سیاستمداران پیشرو در یکی از معدود شهرداری‌هایی که به میدان آمدند و به این آزمایش پیوستند، تأکید کردند که انتخاب عقب‌نشینی باید محلی باشد و موضوعی نیست که به آن‌ها تحمیل شود؛ از این رو به پیشگامانی نیاز است؛ و نه به دنباله‌روها (همان). دولت مرکزی نیز به نوبه خود مایل بود بر این واقعیت تأکید کند که این آزمایش یک مسئولیت مشترک بود و دولت ملی با دولت‌های محلی برای آزمایش ایده‌های جدید در مورد مدیریت ساحلی همکاری می‌کرد.

مشارکت مک‌فاجن و هویتما بر روشی که می‌توان آزمایش‌ها را اداره کرد، متمرکز است. آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که انتخاب‌های طراحی نهادی که آغازگر (مبتکر) آزمایش باید انجام دهد، فراتر از انتخاب برای مداخله، تصادفی‌سازی و حضور یک گروه کنترل است. براساس چارچوب تحلیل و توسعه نهادی اوستروم<sup>۵</sup> (۲۰۰۵)، آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که آغازگر آزمایش‌ها باید چندین انتخاب

<sup>1</sup> Voß & Simons

<sup>2</sup> Weiss

<sup>3</sup> Rocle & Salles

<sup>4</sup> Aquitaine

<sup>5</sup> Ostrom

در مورد نوع اطلاعاتی که در نظر گرفته می‌شود یا نادیده گرفته می‌شود، اختیار تصمیم‌گیری در مورد آزمایش، هزینه‌ها و منافع مرتبط با آزمایش و... انجام دهد.

آن‌ها مجموعه‌ای از آزمایش‌های نوع ایده‌آل را ارائه می‌دهند که می‌تواند به عنوان ابزاری برای تفسیر آزمایش‌های زندگی واقعی باشد. با تکیه بر نظرات پیلک<sup>۱</sup> (۲۰۰۷)، آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که طراحی آزمایش‌ها می‌تواند عمدتاً بر تکنوکراسی، حمایت یا واسطه‌گری در مرز بین علم و سیاست تکیه کند (نکته کلیدی این است که آزمایش‌ها ذاتاً آن‌طور که اغلب فرض می‌شود، تکنوکراتیک نیستند). نوع‌شناسی این پژوهشگران قادر به تشخیص تفاوت‌های ظریف میان ۱۴ نوع آزمایش در سازگاری با اقلیم هلند است (موردی که در قسمت‌های پیشین تشریح شد)، که نشان می‌دهد ممکن است در جاهای دیگر نیز ارزش تحلیل داشته باشد.

برنشتاین و هافمن (۲۰۱۸)، در تلاش خود برای درک نیروی مخرب آزمایش‌ها، آزمایشی از مدل خود را بر روی چند نمونه دنیای واقعی ارائه می‌کنند. برای این منظور، آن‌ها مدل را در سه مطالعه موردی به کار می‌گیرند، یکی که قفل‌های (سیاستی) موجود را تقویت می‌کند (به نام ابتکار اقتصاد انرژی جدید کلرادو)، دیگری که قفل‌های سیاستی کربنی<sup>۲</sup> را باز می‌کند (به نام «کربن‌تراست»<sup>۳</sup>) تحت حمایت دولت بریتانیا)، و دیگری که دارای پتانسیل کربن‌زدایی است (به نام سیاست آب و هوایی کپنهاگ). آن‌ها دریافتند که در کپنهاگ، عادی‌سازی بود که به مقیاس‌پذیری و تثبیت مفهوم بی‌طرفی کربن کمک کرد. این امر با چارچوب‌بندی مداوم اقدامات آب و هوایی به عنوان کمک به بهبود زندگی در شهر از طریق شعارهای «زندگی خوب = زندگی پایدار» و «شهر سبز = رشد اقتصادی» رخ داد. با این حال، آن‌ها هشدار می‌دهند که پتانسیل یا مسیر (آزمایش‌ها) به طور کلی نمی‌تواند پیش‌بینی شود (برنشتاین و هافمن، ۲۰۱۸). آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که چارچوب آن‌ها ابعاد سیاسی را روشن می‌کند، زیرا راهی را برای شناسایی و ردیابی نیروها و مکانیسم‌های سیاسی ارائه می‌دهد که از طریق آن‌ها آزمایش‌ها بر اهداف مداخله تأثیر می‌گذارد و ارتباطات گسترده‌تری ایجاد می‌کند (برنشتاین و هافمن ۲۰۱۸).

روکل و سالز (۲۰۱۸) برخی از پیش‌بینی‌های جسورانه‌ای را که ووس و سیمونز (۲۰۱۸) در مورد تأثیر واقعیت‌آفرینی آزمایش‌ها انجام داده‌اند، تأیید می‌کنند. آن‌ها نشان می‌دهند که صرف بحث در مورد عقب‌نشینی برنامه‌ریزی شده، این مفهوم را قابل‌قبول‌تر کرده و حداقل گفتمان سیاسی محلی را تغییر داده است. آن‌ها همچنین نشان می‌دهند که چه‌گونه کارآفرینان سیاسی -در این مورد، همکاری مقامات محلی- نقش فعالی را در راه‌اندازی این آزمایش، در کسب پذیرش محلی با چارچوب‌بندی مثبت آن، با هدایت پویایی‌های سیاسی ناشی از انتخابات محلی و ایجاد ارتباط در سراسر سطوح قضایی داشتند. این واقعیت که کمیته نظارت بر آزمایش شامل دو نماینده مجلس ملی بود، تصادفی نبود بلکه به طور فعال انتقال درس‌ها را تسهیل می‌کرد؛ یعنی تطبیق قوانین ملی برای تبدیل کردن عقب‌نشینی برنامه‌ریزی‌شده به یک گزینه قابل اجرا. از آنجایی که هدف دولت ملی همیشه این بوده است، روکل و سالز از صحبت در مورد یادگیری اجتماعی فراتر از سطح محلی تردید دارند. در واقع آن‌ها هم‌نظر با کستن بروتو و بولکلی (۲۰۱۳) هستند که پیشنهاد کرده‌اند که آزمایش‌ها راهی است که از طریق آن دیدگاه‌های آینده، عملی و در نتیجه قابل کنترل می‌شوند. با توجه به نوع‌شناسی مک‌فاجن و هویتما (۲۰۱۷، ۲۰۱۸)، آزمایش ساحلی فرانسه یک آزمایش بسیار حمایتی بود، با درجات نسبتاً بالایی از باز بودن در مورد این که چه نوع بازیگری می‌تواند در آن شرکت کند؛ اما از نظر نتایج مورد انتظار، باز بودن کمتری درخصوص آن وجود داشت: این آزمایش بیشتر وسیله‌ای برای سنجش و در نهایت کنترل واکنش‌های محلی به بالا آمدن سطح دریا بود.

مک‌فاجن و هویتما (۲۰۱۸) به استفاده مفهومی از نتایج تجربی علاقه‌مند هستند؛ یعنی این که چه‌گونه تجربیات بر ذهنیت سیاست‌گذاران (و به‌ویژه سیاستمداران منتخب) تأثیر می‌گذارد. به پیروی از ویس (۱۹۷۷) آن‌ها پیشنهاد کردند که آزمایش‌ها

<sup>1</sup> Pielke

<sup>۲</sup> مقصود، بحث آلاینده‌های سوخت‌های فسیلی است که از مشتقات کربن است.

<sup>3</sup> Carbon Trust

احتمالاً نقشی در رسوب تدریجی ایده‌ها در سیاست‌گذاری بازی می‌کنند، با این حال آن‌ها هم‌چنین پیشنهاد می‌کنند که اندازه‌گیری چنین تأثیراتی در طول سال‌ها یا حتی دهه‌ها بسیار دشوار است. در عوض، آن‌ها سه شاخص نیابتی را پیشنهاد می‌کنند که واکنش کوتاه‌مدت سیاست‌گذاران به آزمایش‌ها را با ارزیابی میزانی که سیاست‌گذاران نتایج را برجسته، معتبر و مشروع می‌دانند، اندازه‌گیری می‌کنند (کش<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۳). علاوه بر این، مک‌فاجن و هویتما فرض می‌کنند که روشی که یک آزمایش در سه معیار امتیاز می‌گیرد، تحت تأثیر طراحی‌های نهادی متفاوت است. براساس داده‌های ۱۶۴ نظرسنجی آن‌لاین، با هدف قرار دادن سیاست‌گذاری که در مورد آزمایش‌ها می‌دانند (بسیاری از آن‌ها چیزی از آزمایش نمی‌دانند)، آن‌ها چندین فرضیه صریح را آزمایش کردند، به عنوان مثال، «آزمایش‌های تکنوکراتیک» نسبت به دو نوع دیگر (به ترتیب آزمایش‌های «حمایتی»<sup>۲</sup> و «مرزی»<sup>۳</sup>) از نظر اعتبار امتیاز بالاتری دارند. تجزیه و تحلیل آماری نشان داد که طراحی نهادی تأثیر قابل توجهی داشت، اما به‌طور شگفت‌انگیزی برخی از فرضیه‌های قابل قبول شهودی رد شدند. به عنوان مثال، آزمایش‌های تکنوکراتیک، برخلاف تأکیدشان بر علم و بی‌طرفی علمی، امتیاز بالاتری نسبت به دو نوع دیگر از نظر اعتبار کسب نکردند. علاوه بر این، آزمایش‌های حمایتی در شاخص مشروعیت امتیاز بیشتری کسب کردند. این به دلیل ماهیت یک طرفه و تا حدودی بسته محیط نهادی پژوهش تعجب‌آور بود. محققان فرض می‌کنند که این امر به سطح نسبتاً پایین تعارض بر سر اهداف سیاست در جامعه مدیریت آب هلند مربوط می‌شود، و حدس می‌زنند که ممکن است نمرات در موقعیت‌های متناقض‌تر کمتر بوده باشد.

### بحث و نتیجه‌گیری

انتظارات پیرامون چرخش تجربی‌گرایی بسیار بالا است، اما به نظر می‌رسد که چهار موضوع مستحق توجه بسیار بیشتری هستند. در این بخش پایانی، در مورد احتمالات یادگیری متقابل در بین رشته‌ها نتیجه‌گیری می‌شود و مسیرهایی برای تحقیقات بیشتر مشخص می‌شود.

در ابتدای بحث از نظر مفاهیم اصلی، نشان داده شد که چه‌گونه آزمایش برای مدت طولانی در سراسر علوم اجتماعی مورد بحث بوده است. در اندیشه پراگماتیستی، دو نوع نگاه متفاوت به آزمایش‌ها قابل تشخیص است: آزمایش به عنوان روش تحقیق و آزمایش به عنوان رویکردی برای حکمرانی. در بحث آزمایش در علوم سیاست‌گذاری، تأکید زیادی بر آزمایش‌ها به عنوان یک روش تحقیق (یعنی به طور خاص روشی که نیاز به تصادفی سازی، گروه‌های کنترل و... دارد) بوده است. در مقابل، اکثر نویسندگانی که در مورد پایداری<sup>۴</sup> و به‌ویژه حکمرانی آب‌وهوا می‌نویسند، آزمایش را به عنوان رویکردی برای حکمرانی می‌دانند.

با تأمل در این باب می‌توان دریافت که برخی از سردرگمی‌هایی که به وجود آمده، احتمالاً به این دلیل است که محققان در حال گفت‌وگو با یکدیگر هستند، و مطابق ادعای برخی از دانشمندان برجسته سیاست‌گذاری، اصطلاح آزمایش در ادبیات حکمرانی از جمله حکمرانی آب‌وهوا، «تا حدودی نادرست» تعریف شده است (دریزک، ۲۰۱۷: ۷۸۹). احتمالاً حساب کردن هر شکلی از سیاست‌گذاری و/یا حکمرانی به عنوان «آزمایش» چندان مفید نیست. در این بحث، مک‌فاجن و هویتما (۲۰۱۸) خوشبختانه یک حد وسط را که به کمک آن می‌توان به درک مشترک در تقاطع بین میدان‌ها دست یافت، شناسایی کرده‌اند. آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که باید حداقل دو شرط اساسی قبل از این که چیزی به عنوان آزمایش برجسته‌گذاری شود، برآورده شود: (۱) باید یک نظریه مداخله با مفروضات (یا فرضیه‌های) صریح وجود داشته باشد که آزمایش شوند و نیز، (۲) باید مقداری تازگی در موضوع وجود داشته باشد. از این رو، آن‌ها بیان می‌کنند که عمل آزمایش باید صریح باشد؛ چراکه بدون ارزیابی تأثیرات مداخله، تنها نمایش یک ابتکار جدید وجود دارد (آزمایشی در کار نیست)، و بدون نوآوری، فقط ایده‌های تثبیت شده (مجدداً) ارزیابی می‌شوند (مک‌فاجن و هویتما، ۲۰۱۸). مسلماً، پیشنهاد آن‌ها بسیاری از جنبه‌های دیگر آزمایش را که در ادبیات حکمرانی رایج است، رد می‌کند (به عنوان مثال،

<sup>1</sup> Cash

<sup>2</sup> Advocacy

<sup>3</sup> Boundary

<sup>4</sup> Sustainability

این فرض که یک آزمایش، هر ابتکاری است که برای مثال خارج از رژیم فعلی بین المللی رخ می دهد) اما به قدر کافی دربردارنده آزمایش ها به عنوان روش تحقیق و آزمایش ها به عنوان ابزار حکمرانی است.

اعمال چنین تعریفی می تواند پیامدهای مهمی برای علوم سیاست گذاری داشته باشد. یک درک مشترک این امکان را ایجاد می کند که تعدادی از موارد خاص مطالعه شود و درک تجربی از آزمایش با سرعت بیشتری افزایش یابد. با توجه به موارد بسیار کاربردی، ووس و سیمونز (۲۰۱۸) نشان می دهند که گنجاندن هر دو نوع تعریف می تواند ارزش افزوده داشته باشد، زیرا متخصصان می توانند هر دو نوع تعریف را در یک فرآیند تصمیم گیری به کار ببرند؛ و این چیزی است که اگر یک تعریف بسیار دقیق را اعمال می کردند، از دست می رفت. در سطحی عمیق تر، ارائه تعریف گسترده تر از آزمایش ها می تواند اسبابی برای اتصال به فلسفه عمل گرایانه دیویی و دیگران ایجاد کند.

آزمایش ها گاهی به عنوان راهی برای فرار از سیاست های فریبنده دیپلماسی بین دولتی تلقی می شوند. دانشمندان سیاست بارها به دنبال بازی در این جنبه بوده اند. برای مثال، بسیاری از بحث ها درباره ایده های کمپبل حول سازگاری بین ریسک پذیری در جامعه ای در حال آزمایش و ارزش های بنیادین دموکراتیک بوده است (دان، ۱۹۹۷ را ببینید). بدین ترتیب، آیا نقش ایدئولوژی در یک جامعه آزمایشی کم نخواهد شد؟ آیا دانشمندان در فرآیند تصمیم گیری، سیاستمداران منتخب را از بین می برند؟ چه گونه جامعه از استفاده انتخابی از شواهد علمی اجتناب می کند؟ شهروندان عادی چه گونه در تصمیم گیری مشارکت خواهند داشت؟ در اینجا صحبت از سیاست پیرامون آزمایش ها (همان طور که در ابتدای این مقاله ارائه شد) محدودکننده است، زیرا چنین بیانی ممکن است دلالت بر این داشته باشد که خود آزمایش از سیاست فارغ است، در حالی که برای بسیاری از دانشمندان علوم سیاسی، سیاست بخش ذاتی آزمایش ها است. این تصور که آزمایش ها واقعیت های جدیدی را ایجاد می کنند و بر گفتمان ها تأثیر می گذارند، در همه پژوهش ها بسیار قوی ظاهر می شود. این موضوع ویژه همچنین ادراک از تعامل بین علم و سیاست را ارتقا می دهد. در بسیاری از متون، این امر عمده تاً به عنوان یک فرآیند شناختی روشنگری-آشفستگی و امری جهت از هم گسستن ترتیبات قدرت موجود در نظر گرفته می شود. مدلی که برنشتاین و هافمن (۲۰۱۸) ارائه می دهند، نوآورانه است و می تواند برای استفاده گسترده تر در نظر گرفته شود. آن ها پیشنهاد می کنند که آزمایش ها می توانند انتظارات را در مورد آن چه طبیعی است، تغییر دهند، ظرفیت هایی را ایجاد کنند و بر تشکیل ائتلاف تأثیر بگذارند. آن ها همچنین پیشنهاد می کنند که آزمایش ها باید در طول زمان مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند تا مشخص شود که آیا آن ها موقعیت های موجود را از هم پاشیده اند، ناخواسته آن ها را کامل کرده اند یا آن ها را همان طور که در ابتدا بوده اند، رها کرده اند.

روش سخت گیرانه فعلی مطالعه آزمایش ها در علوم سیاسی (یعنی تلقی آن ها به عنوان یک روش تحقیق) توانایی علوم خط مشی را برای ارائه تأملات در مورد حکمرانی آزمایش ها محدود کرده است. در واقع، زمانی که آزمایش ها صرفاً به عنوان یک روش تحقیق در نظر گرفته می شوند، کل موضوع حکمرانی در چارچوب محدودی قرار می گیرد: به عنوان مثال، فرضیه هایی که باید آزمایش شوند؛ توصیف وضعیت (یا گروه) کنترل؛ مقایسه گزینه های درمان در مقابل گزینه های غیردرمانی و ... با این حال، تحت یک درک گسترده تر، نحوه مدیریت آزمایش ها، همان طور که توسط مک فاجن و هویتما (۲۰۱۸) پیشنهاد شده است، تبدیل به یک مسأله می شود. ایده آن ها مبنی بر این که آزمایش ها را می توان به روش های مختلف طراحی کرد (به عنوان مثال، به روشی تکنوکراتیک، به عنوان یک هدف مرزی، یا به عنوان ابزاری برای حمایت) پیامدهای مهمی دارد.

در سطح مفهومی، به این معنی است که دیگر نیازی نیست آزمایش ها منحصرأ با تکنوکراسی مرتبط باشند. این نکته، نکته ای مهم است زیرا تقابل های احتمالی بین عملکرد صحیح دموکراسی و آزمایش تقریباً در هر نشریه ای در حوزه تجربی گرایی یا حکمرانی تجربی ظاهر می شود. اگر آزمایش ها به عنوان موضوعات مرزی یا ابزارهای حمایتی درک شوند، این تنش ها از بین نمی روند. در واقع تنش های جدید نیز می توانند ظاهر شوند؛ برای مثال زمانی که ظرفیت آزمایش یا دسترسی به نتایج تجربی به طور نابرابر در جوامع توزیع می شود. با این حال، این تصور که حکمرانی تجربی اساساً به معنای حکومت توسط متخصصان است، از بین خواهد رفت. این واقعیت که آزمایش ها را می توان به شیوه ای غیر تکنوکراتیک نیز انجام داد، در واقع کسانی را که استدلال می کنند که حاکمیت





Huitema, D., & Meijerink, S. (Eds.). (2009). Water policy entrepreneurs: A research companion to water transitions around the globe. Cheltenham: Edward Elgar Publishing.

Huitema, D., Mostert, E., Egas, W., Moellenkamp, S., Pahl-Wostl, C., & Yalcin, R. (2009). Adaptive water governance: Assessing the institutional prescriptions of adaptive (co-) management from a governance perspective and defining a research agenda. *Ecology and Society*, 14(1), 26.

John, P. (2017). Changing how government works: The transformative potential of an experimental public management. In O. James, S. Jilke, & G. van Ryzin (Eds.), *Experiments in public management research: Challenges and contributions* (pp. 476–494). Cambridge: Cambridge University Press.

Jordan, A. J., & Huitema, D. (2014). Innovations in climate policy: The politics of invention, diffusion, and evaluation. *Environmental Politics*, 23(5), 715–734.

Jordan, A. J., Huitema, D., van Asselt, H., & Forster, J. (Eds.). (2018). *Governing climate change: Polycentricity in action?*. Cambridge: Cambridge University Press.

Li, H., & Van Ryzin, G. G. (2017). A systematic review of experimental studies in public management journals. In O. James, S. R. Jilke, & G. G. Van Ryzin (Eds.), *Experiments in public management research: Challenges and contributions* (pp. 20–36). Cambridge: Cambridge University Press.

Mark, M. M., & Henry, G. T. (2004). The mechanisms and outcomes of evaluation influence. *Evaluation*, 10(1), 35–57.

McDermott, R. (2002). Experimental methods in political science. *Annual Review of Political Science*, 5, 31–61.

McFadgen, B., & Huitema, D. (2017). Are all experiments created equal? A framework for analysis of the learning potential of policy experiments in environmental governance. *Journal of Environmental Planning and Management*, 60(10), 1765–1784.

McFadgen, B., & Huitema, D. (2018). Experimentation at the interface of science and policy: A multi-case analysis of how policy experiments influence political decision-makers. *Policy Sciences*.

McGuirk, P., Dowling, R., Brennan, C., & Bulkeley, H. (2015). Urban carbon governance experiments: The role of Australian local governments. *Geographical Research*, 53, 39–52.

Ostrom, E. (2005). *Understanding institutional diversity*. Princeton: Princeton University Press.

Parsons, W. (1995). *Public policy. An introduction to the theory and practice of policy analysis*. Cheltenham: Edward Elgar.

Pielke, R. A. (2007). *The honest broker: Making sense of science in policy and politics*. Cambridge: Cambridge University Press.

Popper, K. (1985). Evolutionary Epistemology. In G. Tarozzi & A. van der Merwe (Eds.), *Open questions in quantum physics. Fundamental theories of physics* (pp. 395–413). Dordrecht: Springer.

Roberts, N. C. (1992). Public entrepreneurship and innovation. *Review of Policy Research*, 11(1), 55–74.

Rocle, N., & Salles, D. (2017). “Pioneers but not guinea pigs”: Experimenting with climate change adaptation in French coastal areas. *Policy Sciences*. <https://doi.org/10.1007/s11077-017-9279-z>.

Sabel, C. F., & Zeitlin, J. (2008). Learning from difference. The new architecture of experimentalist governance in the EU. *European Law Journal*, 14(3), 271–327.

Sanderson, I. (2002). Evaluation, Policy learning and evidence-based policy making. *Public Administration*, 80(1), 1–22.

Van Gunsteren, H. R. (1976). *The quest for control: A critique of the rational-central-rule approach in public affairs*. New York: Wiley.

Voß, J., & Simons, A. (2018). A novel understanding of experimentation in governance: Co-producing innovations between ‘lab’ and ‘field’. *Policy Sciences*.

Weiland, S., Bleicher, A., Polzin, C., Rauschmayer, F., & Rode, J. (2017). The nature of experiments for sustainability transformations: A search for common ground. *Journal of Cleaner Production*, 169, 30–38.

Weiss, C. (1977). Research for policy’s sake: The enlightenment function of social research. *Policy Analysis*, 3(4), 531–545.

Wildavsky, A. (1979). If planning is everything maybe it’s nothing. *Policy Sciences*, 4, 127–153.

## An introduction to the experimental method and research in the field of governance and policy-making

Mohammad Milad Ahmadi <sup>1</sup>; Ehsan Sharif Ahmadian <sup>2</sup>

- 1- Ph.D. in Systems Management, Faculty of Management and Economics, Imam Hossein University, Tehran, Iran  
 (Email: [mmahmadi@ihu.ac.ir](mailto:mmahmadi@ihu.ac.ir))
- 2- Ph.D. student in Systems Management, Faculty of Management and Economics, Imam Hossein University, Tehran, Iran  
 (Email: [e.sharif67@gmail.com](mailto:e.sharif67@gmail.com))

### Abstract

The social sciences have a considerable history of thinking about experimentation; For example, it is now well known that experiments are a key element in the emergence of the field of behavioral economics; But experiments in sociology, political science, planning science, and even in the field of art and architecture have also become popular with a growing trend. Contrary to the emphasis of many researchers, experiments and experimental methods have not been the center of attention in the field of political science and governance; As a fact, very few reference books even index this concept. Experts in this field, in a general review, announce the experimentalist turn in a range of scientific fields, including political science, and state that the term experiment refers to a range of different formats and activities and not just a research method. For example, the term experiment is also used to refer to designing and evaluating institutional settings, encouraging social and political learning, and initiating social innovations and transformations. The main goal of this review article is to find answers to questions about the role and position of experiments concerning governance issues. The effects that experiments have, both through learning and through policy change, are very important, and how experiments affect learning and policy change is still not included in most leading models of the policy process. This review provides a good opportunity to showcase the new experimentalist turn in practice and its various forms; Because many researchers consider experiments as a starting point for desirable social transformations.

**Keywords:** *experimental research, experimental design, research method, governance, political science*